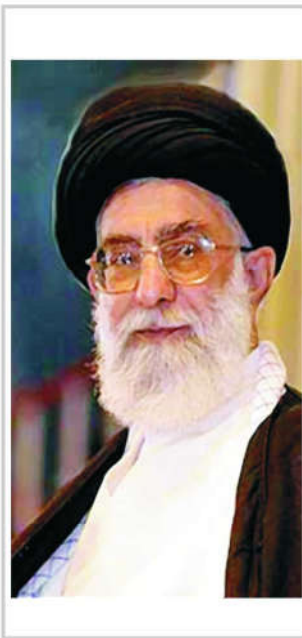




یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظار، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام آماده کنیم که آن کار آسانی نیست؛ سربازی، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد.

• منتظران امام زمان باید صالح باشند

بزرگ‌ترین وظیفه منتظران این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و نیز برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صالح را آماده کند و کاری کند که بتواند برای تحقق صالح بایستد.

• حکومت حضرت مهدی (عج)

حکومت حضرت، یک حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از احاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد؛ این حکومت مردمی با حکومت‌های مدعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

عدل و قسط و عدالت است که از ایشان انتظار داریم؛ که درد بزرگ بشریت امروز، همین مسئله فقدان عدالت است، یعنی مسئله طلب عدالت.

• نابودی بنای ظلم، حتمی است

اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور هستیم، این یاسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان و ملل دنیاست، بی‌معناست. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت پیدا می‌کند و احساس می‌کند که دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به طور مسلم نوشته است.

• عدالت با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید

عدالتی که ما در انتظار آن هستیم، با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استعمار نکنند. استقرار عدالت، احتیاج دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند.

• سربازی امام زمان (عج)، کار انسانی نیست

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی (عج) یک آرمان والا است و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی ختم کرد.



درس‌های بزرگ مهدویت

• اعتقاد به ظهور مهدی (عج) در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی به این معنا معتقدند. بلکه غیر مسلمانان هم به یک صورت معتقدند؛ منتهی امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجات‌بخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است.

• عدالت، برجسته‌ترین شعار مهدویت همیشه در دعای ندبه و زیارت آل یاسین، اولین درخواست منتظران مهدی موعود، استقرار

چند قدم تا زندگی زیبا



می‌بینید که برخلاف جهت شما با سرعت غیرمجاز و رعایت نکردن اصول ایمنی از بین ماشین‌ها ویراز می‌دهد. این جاست که صدای بوق ماشین‌ها و داد و فریاد همه بلند می‌شود. تا چند لحظه پیش همه آرام و راحت مسیر را طی می‌کردید، اما در حال حاضر همه ناراحتید. درحالی که شما خلاقی را مرتکب نشده‌اید، مسیر را درست رفته و نکات ایمنی را رعایت کرده‌اید، آن‌چه این نگرانی را برای شما پیش آورده است، حرکت غیراصولی یک ماشین خلافاً کار بوده است.

چریان هستی هم مثل همین اتوبان است؛ افلاک در مسیر بندگی خداوند آرام و مطمئن در حرکتند و ناگهان انسان با شرارت‌های مسیری بر خلاف جهت همه انتخاب می‌کند و این باعث می‌شود حتی ستارگان آسمان هفتم هم از این تخلف به تنگ بیایند و فضای آسمانی بندگی خویش را به‌خاطر سرکشی یک مخلوق نافرمان، ناامن ببینند.

حالا است که حتی سیاس‌گویی که از ازل کارشان ذکر «سبوح قدوس» است، به نگرانی می‌افتند و آرزو می‌کنند کسی از راه برسد و این انسان مغرور را که از مسیر اصلی خودش منحرف شده است، از گمراهی نجات دهد. فکر نمی‌کنم جای ابهامی باقی مانده باشد. انسان سال‌هاست که در مسیر مخالف اتوبان هستی، راه ظلم و بی‌عدالتی را دنبال می‌کند و این منجی آخرالزمان است که می‌تواند او را در مسیری که خداوند برای او ترسیم کرده است، قرار دهد.

موعود که بیاید، انسان هم مثل سایر مخلوقات سر به راه می‌شود، تسبیح می‌گوید، خداوند را حمد می‌کند و آن وقت است که در کمال آرامش، عدل در جهان فراگیر می‌شود. راستی چه زندگی زیبایی در انتظار ماست...

سردبیر



یکی از مفاهیم ارزشمندی که در فرهنگ موعود، روایت‌ها و مستندهای ناب را به خود اختصاص داده، این است که جهان پس از ظهور منجی عالم، در شادابی و فرحی عمیق فرو می‌رود و مردم عالم روزگاری خوش را پیش‌روی خواهند داشت.

این سرمستی و خوشبختی وقتی نمود می‌یابد که جهان، بدی‌ها، زشتی‌ها و پلیدی‌هایی را تجربه کرده که زندگی سالم را غیرممکن می‌ساخته است. این‌که در روایت می‌خوانیم زمین همان‌طور که از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد لبریز می‌شود، نشان از همین مفهوم است.

با نگاهی زرف‌تر در می‌یابیم که موجودی که می‌تواند جهان را از ظلم لبریز کند، «انسان» است. انسان با تمام ویژگی‌های منحصر به فرد خویش در کائنات، چنان توانایی‌هایی دارد که به راحتی از خوبی‌ها سر باز می‌زند و برای رسیدن به خواسته‌های دنیایی‌اش تمام خوبی‌ها را نفی می‌کند. برای این‌که انسان چه توانایی‌هایی برای ظلم کردن در جهان دارد، به استدلال نیازی نیست؛ چرا که آدمی در تمام اعصار و قرون کارنامه‌ای لبریز از ظلم‌آفرینی از خود به جا نهاده است. هرگاه در زندگی انسان‌ها خوبی‌ها نمایان می‌شوند، بی‌شک دست‌هایی یافت می‌شوند که نمی‌توانند خوبی‌ها را تحمل کنند و این جهان را به سمتی می‌کشاند که ظلم در آن به جهت عوام فریبی‌ها و تمسک به روش‌های نادرست حاکم می‌شود. از زندگی پیامبران که شروع کنیم، حضور طاغوت‌ها را در می‌یابیم، تا